

از نظر سحابی، شیعه مؤمن و خالص، تمام حکومت‌های جهان را حکومت جور می‌داند که مترادف استکبار، سلطنت مطلقه و غیره، محدود به فرد و یا گروه اجتماعی خاصی است.



➤ میرزا ملکم خان (۱۲۸۷-۱۲۱۲ ه. ش.)

➤ فتحعلی آخوندزاده (۱۲۵۶-۱۱۹۱ ه. ش.)

هخامنشیان را جدا دانست، احتمالاً به این دلیل که این سلسله به تعالیم زردشت نزدیک‌تر بوده و این تعالیم در گفتار و عمل آن‌ها منعکس شده و می‌توان نشانه‌های آن را در الواح و کتیبه‌های باقی مانده از این سلسله مشاهده نمود.^{۱۱} با وجود تمام این مطالب، همان‌طور که آورده شد، اسلام و بالخصوص مذهب شیعه در افکار او، از مقام والایی برخوردار است. در واقع، او هویت ایرانیان را به دو بخش قبل از ورود اسلام و مذهب شیعه، و بعد از ورود اسلام و آشنایی با مذهب شیعه تقسیم می‌کند و می‌نویسد: «ما به لحاظ ریشه‌های طبیعی و نژادی، به اقوام آریایی وابستگی داریم و از لحاظ ساختمان فکری و فرهنگی و سنن و نهادهای اجتماعی به اسلام، که از ناحیه‌ای غیر از نژاد آریایی آمده است».^{۱۲} او نظر عجیبی هم در این باره بیان می‌کند که اگر ما به عنوان ایرانی بر «نژاد آریایی» تأکید کنیم، خط مشی سیاسی و حاصل آن نزدیکی به غرب و بریدن از ملل اسلامی و همسایگانمان است، در حالی که اگر نظام و مسلک و نهادهای چهارده قرن اخیر را ملاک قرار دهیم، خط مشی ما متفاوت خواهد شد و غرب و غیرمسلمانان برایمان بیگانه و همسایگان مسلمانان برایمان حکم خودی پیدا خواهند کرد!^{۱۳}

ایران قبل از اسلام تأکید می‌کنند و «سلطنت» را یکی از ارکان هویت ایرانیان می‌دانند، اختلاف نظر دارد و آن‌ها را نقد می‌کند و مدعی است که سلطنت در کلیت خود میل به سوی سلطه و استبداد مطلقه دارد و این یعنی هیچ انگاری ملت و همه چیزپنداری سلطان.^{۱۷} از نظر سحابی، شیعه مؤمن و خالص، تمام حکومت‌های جهان را حکومت جور می‌داند که مترادف استکبار، سلطنت مطلقه و غیره، محدود به فرد و یا گروه اجتماعی خاصی است.^{۱۸}

اگرچه سحابی، سال‌ها بعد از انقلاب، افکارش را اندکی جرح و تعدیل کرد، همچنان بر همان مبانی فکری اولیه‌اش باقی ماند.^{۱۹} او حتی تأکید می‌کند که هدف آن‌ها مبارزه با همین نوع تلقی رایج از هویت ایرانیان در صدر مشروطه و بعداً در عصر پهلوی، بوده است. سحابی در این باره می‌نویسد:

در جست‌وجوی ویژگی‌های عمومی ملت ایران، اگر به تاریخ رسمی و مشهور کشور مراجعه کنیم، همه جا را در انحصار تاریخ شاهنشاهان و سرداران کم و بیش جبار و خونخوار و متجاوز می‌یابیم. سلسله شاهان ساسانی و صفویه از نمونه‌های نمادین آن‌ها هستند. من در بازشناسی هویت ایرانی حساب شاهان و حکومت‌ها را از ملت جدا نموده‌ام. ناسیونالیسم پهلوی‌ها و برخی نوگرایان صدر مشروطیت که تاکنون مدعی مجد و عظمت ایران قدیم، به دلیل قدرت و جلال شاهنشاهان آن بوده‌اند، مورد تأیید ما نبوده و نیستند. از همان زمان یعنی دهه بیست شمسعی که پا به عرصه اجتماعی گذاشتیم، با این نشانه یا نماد از هویت ایرانی مبارزه نمودیم...^{۲۰}

سحابی در آثار پس از انقلابش، توجه خاصی به تعالیم زردشت دارد. از نظر او، در بین تمام پادشاهان ایران، باید حساب

+ پی‌نوشت

۱. عزت‌الله سحابی. مقدمه‌ای بر تاریخ جنبش ملی ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۴، ص ۳۹.
۲. همان، ص ۳۹.
۳. همان، ص ۸۱.
۴. همان، ص ۸۲.
۵. همان، ص ۸۵.
۶. همان، ص ۸۷.
۷. همان، ص ۱۵۹.
۸. همان، ص ۸۸.
۹. عزت‌الله سحابی. تاریخ یک انقلاب. به اهتمام امیرطیرانی. تهران: پارسه، ۱۳۹۹، ص ۶۰.
۱۰. عزت‌الله سحابی. ایران آزادی و دموکراسی. به اهتمام امیرطیرانی. تهران: پارسه، ۱۴۰۱، ص ۲۳۳.
۱۱. همان، ص ۲۳۴.
۱۲. همان، ص ۴۰.
۱۳. همان، ص ۴۰ و ۴۱.

+ منابع:

- سحابی، عزت‌الله. (۱۳۶۴). مقدمه‌ای بر تاریخ جنبش ملی ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سحابی، عزت‌الله. (۱۴۰۱). ایران آزادی و دموکراسی. به اهتمام امیرطیرانی. تهران: پارسه.
- سحابی، عزت‌الله. (۱۳۹۹). تاریخ یک انقلاب. به اهتمام امیرطیرانی. تهران: پارسه.